

پناهیان: ما به آهنگ کلمات قرآن، از شیر مادر محتاج‌تریم / وقتی قرآن کتاب هدایت است، موسیقی قرآن هم جزئی از هدایت است / اولین اثر آیات قرآن، باید خلع تکبر از دل انسان باشد / داستان جوان استرالیایی که با قرآن هدایت شد: اولین آیات قرآن، خیلی لجم را درآورد!

پناهیان: اینکه شما می‌بینید مردم به موسیقی، خیلی محتاج و معتاد می‌شوند، به خاطر این است که «انسان اساساً به موسیقی احتیاج دارد؛ اما به موسیقی کلام پروردگار» انسان بعد از اینکه متولد می‌شود، به موسیقی کلام مادر نیاز دارد، و بعد از اینکه بالغ شد، به موسیقی کلام خدا احتیاج پیدا می‌کند. البته بعضی‌ها هیچ‌وقت بالغ نمی‌شوند یعنی به این بلوغ نمی‌رسند که نیاز خودشان را درک کنند.

حجت الاسلام پناهیان به مناسبت ماه مبارک رمضان ۳۰ شب در مصلى بزرگ امام خمینی با موضوع «**خدا چگونه انسان را هدایت می‌کند؟**» سخنرانی می‌کند. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **جلسه دوازدهم** را می‌خوانید:

علاوه بر معانی آیات، باید به ابعاد دیگر قرآن نیز نگاه کنیم/یکی از این ابعاد، آهنگ کلمات قرآن است

• ما باید به ابعاد گسترده‌تر نیاز خودمان به قرآن پی ببریم. نباید صرفاً به معانی قرآن توجه کنیم؛ فقط معانی کلمات قرآن نیست که عقل ما را روشن می‌کند بلکه عوامل دیگری از جمله «ترکیب کلمات و تعابیر قرآن» و «سبک سخن گفتن قرآن» نیز آثار فوق‌العاده‌ای بر روح و جان انسان دارد. نباید قرآن را دست‌کم گرفت. آیات قرآن حتی مشرکین قس‌القلب را هم تکان می‌داد. یعنی علی‌رغم اینکه با پیامبر اکرم(ص) مخالفت می‌کردند، شب‌ها می‌آمدند و مخفیانه به آیات قرآن کریم که پیامبر(ص) تلاوت می‌کرد، گوش می‌دادند.

• باید به همه ابعاد مختلف قرآن نگاه کنیم و یکی از ابعاد قرآن کریم که باید مورد توجه قرار دهیم، آهنگ کلمات قرآن است. به عنوان مثال وقتی شاهنامه فردوسی را می‌خوانید، می‌بینید که حماسی سروده شده است و یک وزن و ریتم خاصی دارد. اگر شما یک مدتی، اشعار یک شاعر مایوس و درمانده را بخوانید، بالاخره بر شما تأثیر می‌گذارد و شما هم منفی‌باف و درمانده می‌شوید. حالا اگر یک مدتی کلمات پروردگار عالم را بخوانید، خود به خود روح شما بزرگ می‌شود، چون با کلمات کسی که از همه بزرگتر است، نشست و برخاست کرده‌اید.

• آیات قرآن، شما را بزرگ می‌کند. اگر دیدید کسی آدم حقیری است، بدانید که یا قرآن نخوانده و یا اگر هم قرآن خوانده است، قرآن از گلوش فرائز نرفته است(«وَيَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ إِلَيْهِمْ خُنَازِرَهُمْ؛ كَشَفَ النِّعْمَةَ ۱/۱۳۰») یعنی به یک دلیلی، بدی‌های خودش را حفظ کرده و نگذاشته است که قرآن او را اصلاح کند.

ما به آهنگ کلمات قرآن، از شیر مادر محتاج‌تریم / آهنگ کلمات قرآن، موسیقی اصلی ماست

• قرآن دارای یک موسیقی‌ای است که ما به آن احتیاج داریم. منظور از موسیقی یا آهنگ کلمات قرآن این نیست که لزوماً آیات قرآن، در دستگاه‌های موسیقی(الحن موسیقی) قرائت شود، بلکه وقتی خودتان هم یک سوره مانند سوره حمد را می‌خوانید، موسیقی یا آهنگ خاص کلمات آن را حس می‌کنید؛ با هر صوت و لحنی که قرائت کنید. ما به این موسیقی و آهنگ کلمات قرآن، از شیر مادر محتاج‌تریم. این موسیقی اصلی ماست.

• اینکه شما می‌بینید مردم به موسیقی، خیلی محتاج و معتاد می‌شوند، به خاطر این است که «انسان اساساً به موسیقی احتیاج دارد؛ اما به موسیقی کلام پروردگار» انسان بعد از اینکه متولد می‌شود، به موسیقی کلام مادر نیاز دارد، و بعد از اینکه بالغ شد، به موسیقی کلام خدا احتیاج پیدا می‌کند. البته بعضی‌ها هیچ‌وقت بالغ نمی‌شوند یعنی به این بلوغ نمی‌رسند که نیاز خودشان را درک کنند.

وقتی قرآن کتاب هدایت است، موسیقی قرآن هم جزئی از هدایت است و به هدایت انسان کمک می‌کند

• وقتی قرآن کریم، کتاب هدایت است، موسیقی قرآن نیز ما را هدایت می‌کند و این موسیقی هم جزئی از هدایت است و خیلی به هدایت انسان کمک می‌کند. این تأثیر فوق‌العاده معجزه‌آسا است. برخی می‌گویند چرا کسانی که اهل دین هستند، این قدر نسبت به موسیقی کم‌لطف هستند؟! جواب این است که اینها وقتی با موسیقی قرآن انس می‌گیرند، دیگر توجهی به سایر موسیقی‌ها پیدا نمی‌کنند؛ چه موسیقی‌های خوب و چه بد. مگر موسیقی گوش کردن برای این نیست که انسان، لذت ببرد؟ خُب اینها با موسیقی قرآن به قدر کافی لذت می‌برند و دیگر جایی برای موسیقی‌های دیگر باقی نمی‌ماند و نیازی احساس نمی‌کنند.

• قرآن، موسیقی و آهنگ دل ماست. ببینید مردم جهان چقدر سرود و ترانه و شعر می‌خوانند! به خاطر اینکه به این چیزها احساس نیاز می‌کنند، ولی اصلش این است که این نیاز را با آیات نورانی قرآن تأمین کنیم. البته بعضی‌ها برعکس هستند، یعنی به جای اینکه به آیات قرآن دل بسپارند، وقتی یاد خداوند به میان می‌آید، قلب آنها مشمئز می‌شود. خدا درباره اینها می‌فرماید: «وقتی پیش کسانی که به آخرت ایمان ندارند یاد خدای واحد به میان می‌آید، قلوبشان مشمئز می‌شود و وقتی از غیر یاد یاد شود، آنا شاد و خوشحال می‌شوند؛ وَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ إِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَسْبِرُونَ»(زمر/۴۵) به جای اینکه قلب آنها با شنیدن ذکر خدا نرم شود، مشمئز می‌شود. باید از اینها پرسید: «تو با قلب خودت چه کار کرده‌ای که این‌طور از یاد خدا مشمئز می‌شوی؟!»

چهار اثر مهم قرآن بر دل انسان: ۱. تنبیه ۲. شفا ۳. هدایت ۴. رحمت

• قرآن با دل ما یک کارهایی می‌کند و یک آثاری بر دل و جان ما دارد. البته چون دل ما فوق‌العاده پیچیده است و قرآن هم فوق‌العاده پیچیدگی دارد لذا نمی‌توانیم بگوییم که وقتی قرآن می‌خوانیم، آیات قرآن دقیقاً چه تأثیری بر قلب ما می‌گذارد. قرآن ما را بار می‌آورد و تربیت می‌کند، نه فقط به این صورت که ما معانی آیات را درک کنیم، بلکه خود قرآن مستقیم بر قلب انسان اثر می‌گذارد.

• قرآن خیلی کارها با دل ما می‌کند. برخی از این کارها و آثار روانی قرآن که از سازنده‌ترین عوامل این کتاب هدایت است، در آیه ذیل بیان شده است. در این آیه چهار اثر مهم قرآن را بیان می‌فرماید: «ای مردم! موعظه‌ای از جانب پروردگار به شما رسیده است، و(این قرآن) برای آنچه که در سینه‌هاست، شفاء است(دردهایی که انسان در سینه‌اش دارد را شفا می‌شود) و هدایت و رحمت برای مؤمنین است؛ أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»(یونس/۵۷) علامه طباطبایی می‌فرماید: ترتیب این آثار قرآن که در این آیه ذکر شده است مهم بوده و می‌توان یک معنا یا حکمت خاصی برای آن بیان کرد.

قرآن به انسان تلنگر می‌زند تا بیدار شود/اگر با موعظه قرآن بیدار نشوی با حوادث تلخ روزگار، سرت به

سنگ می‌خورد و بیدار می‌شوی

• موعظه یعنی «تنبه». موعظه با نصیحت فرق می‌کند. در موعظه یک‌مقدار تلخی و تندی وجود دارد. مثلاً یکی از موعظه‌دهندگان کافی و وافی، مرگ است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «مرگ برای موعظه دادن کافی است؛ كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعظاً»(مصباح‌الشریعه/ص۱۱۳) آیات قرآن - به تعبیری انسان - را می‌زند(تلنگر می‌زند) تا متنبه شود. وقتی با آیاتی از قرآن مواجه شدید که شما را زد، حال شما را گرفت و تکان‌تان داد، از پای قرآن بلند نشوید و خسته نشوید و ادامه بدهید.

قرآن در همان مرتبه اول، اثر موعظه‌گری خودش را نشان می‌دهد. و چقدر خوب است که انسان با همین موعظه قرآن تنبّه ببذیرد و بیدار شود و الا اگر انسان این‌طوری بیدار نشود، با حوادث تلخ روزگار سرش به سنگ می‌خورد و بیدار می‌شود. پس به‌جای اینکه سرت به سنگ بخورد و بیدار شوی، بهتر است سرت به کلمات خدا بخورد و بیدار شوی! البته بگذریم از اینکه بعضی‌ها فقط وقتی سرشان به سنگ لحد بخورد، بیدار می‌شوند، که آن موقع دیگر خیلی دیر است. چه بهتر است که موعظه را از قرآن ببذیریم و با کلمات و آیات قرآن، متنبّه شویم نه با مرگ.

طبق این آیه شریفه، قرآن اول تو را موعظه می‌کند (قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ) اگر پذیرفتی و متنبّه شدی، بعد می‌آید سینه تو را شفا می‌دهد (وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ) یعنی شروع می‌کند دل تو را درست می‌کند و خرابی‌های سینه تو را درست می‌کند، مثلاً اگر کینه‌ای در دلت وجود دارد، برطرف می‌کند. اگر می‌خواهید کینه‌ها، حسادت‌ها، منفی‌بافی‌ها و حسرت‌های شما برطرف شود و از دل‌تان پاک شود، بروید قرآن بخوانید تا قرآن دل شما را شفاء دهد.

بعد از اینکه با قرآن شفاء پیدا کردی، نوبت به هدایت می‌رسد / رحمت خدا یعنی هرچقدر کم داشته باشی، خدا جبرانش می‌کند

بعد از اینکه توسط قرآن شفاء پیدا کردی، نوبت به هدایت می‌رسد (شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى) یعنی قرآن دست تو را می‌گیرد و هدایت می‌کند و تا آن جایی که باید، می‌رساند. البته دو مرحله قبلی (موعظه و شفاء) را هم می‌توان جزء هدایت در نظر گرفت ولی هدایت اصلی از این به بعد است. در مرحله چهارم که رحمت است (هُدًى وَ رَحْمَةً) هرچقدر با این هدایت آدمی، چه بهتر، و هرچقدر هم با این هدایت نیامدی، خداوند با رحمت با تو برخورد می‌کند. رحمت یعنی اینکه هرچقدر کم داشته باشی و نقص و کاستی داشته باشی، خدا جبرانش می‌کند.

علامه طباطبایی در ترجمه رحمت، چنین می‌فرماید: ترخم کردن به یک کسی [که مثلاً به زمین خورده است] به معنای متأثر شدن است. وقتی انسان متأثر می‌شود دلش به رحم می‌آید و سعی می‌کند به او کمک کند و یک کاری برایش انجام دهد. رحمت پروردگار هم به معنای جبران کاستی‌ها و نواقص بندگانش است. (کلمه "رحمت" به معنای تأثر قلب است اما نه هر تأثری بلکه تأثر خاصی که از مشاهده ضرر و یا نقص در دیگران به آدمی دست می‌دهد و آدمی را و می‌دارد که در مقام جبران ضرر و اتمام نقص او برآید...؛ ترجمه تفسیر المیزان/۱۰/۱۱۷)

در قرآن کریم، مکرراً بعد از کلمه هدایت، رحمت آمده است. و بیشترین وصف برای قرآن کریم، بعد از کلمه هدایت، کلمه رحمت است. یعنی خداوند -به تعبیری- می‌خواهد بفرماید: «تا اینجا را خودت با هدایت الهی آمدی، خُب! بقیه‌اش با من! هرچه کم داشته باشی من برایت جبران می‌کنم.» رحمت خداوند یعنی اینکه خدا برای هر کسی آن نقص خاص او را جبران می‌کند.

قرآن انسان را از بیماری مهلک و خطرناک «تکبر» نجات می‌دهد

آیات قرآن ما را از یکی از بیماری‌های مهلک، که عام‌البواء است و همه درگیرش هستند، نجات می‌دهد. این بیماری مهلک هم تکبر است. تکبر مادر همه بدی‌ها و گناهان است. (إِيَّاكَ وَ الْكِبْرَ فَإِنَّهُ أَكْبَرُ الْعُيُوبِ وَ أَلَمُ الْعُيُوبِ غِرَالِحِكُمْ) (۷۱۲۴) تکبر بود که ابلیس را از بهشت اخراج کرد (قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ؛ اعراف/ ۱۲) تکبر مهمترین وصفی است که موجب می‌شود افراد در مقابل ولی خدا بایستند و ولایت او را نپذیرند. تکبر آن قدر صفت خطرناک و بدی است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «یا اباذر، کسی که بمیرد و در قلبش ذره‌ای تکبر باشد، بوی بهشت به مشامش نخواهد رسید، مگر

اینکه قلبش توبه کند؛ یا اباذر، مَن مات وَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبْرٍ لَمْ يَجِدْ رَاتِحَةَ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ قَبْلَ ذَلِكَ» (امالی شیخ طوسی/ص ۵۳۷)

دقت کنید که قرآن، اول آدم را می‌زند (تلنگر می‌زند) حتی همان «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» هم می‌زند، چون در واقع خدا فرموده است که «با نام من و با حمد من شروع کن» استحکام خداوند در قرآن را ببیند!

اولین اثر آیات قرآن، باید خلع تکبر از دل انسان باشد/ این آغاز آدم شدن انسان است

اولین اثر آیات قرآن بر انسان، باید خلع تکبر از دل انسان باشد. کاری که آیات قرآن انجام می‌دهند این است که تکبر انسان را به زمین می‌زنند و این آغاز آدم شدن انسان است. نماز خواندن هم یعنی قرآن خواندن و بعد نشان دادن به پروردگار که تکبر من ذائل شد! چون در نماز وقتی حمد و سوره را می‌خوانی، به رکوع و سجده می‌روی و کوچکی و تواضع خودت در مقابل خدا را نشان می‌دهی. نماز یعنی عملیات روزانه خلع تکبر از دل انسان؛ تکبری که مثل علف هرز، در دل همه انسان‌ها می‌روید. حضرت زهرا (س) فرمود: «خدا نماز را واجب کرد تا کبر و خودبزرگ‌بینی را از انسان جدا کند؛ فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ تَنْزِيهَا مِنَ الْكِبْرِ» (من لا یحضره الفقیه/ حدیث/ ۴۹۴۰)

قرآن می‌زند و تکبر دل انسان را نابود می‌کند. در قرآن کریم فقط یک نفر تکبر می‌کند و او پروردگار عالم است و هر کسی که آیات قرآن را می‌شنود، تواضع به او تلقین می‌شود و پذیرش کبریایی خدا در جان او قرار می‌گیرد. و بعد قرآن با قدرت بسیار زیاد، او را می‌گیرد و با خودش می‌برد و هدایت می‌کند.

داستان جوان استرالیایی که با قرآن هدایت شد: اولین آیات قرآن، خیلی لجم را درآورد!

در اینجا داستان یک جوان استرالیایی که با قرآن هدایت شده است، را به صورت خلاصه عرض می‌کنم. آن‌طوری که هم‌حجره‌ای این جوان استرالیایی (در حوزه علمیه قم) تعریف کرده است، این جوان پس از پایان دوران دبیرستان، به دنبال کشف حقیقت، آواره افکار گوناگون می‌شود. او احساس می‌کند مسیحیت به دلیل تعارض‌های زیادی که دارد نمی‌تواند راه درست رسیدن به حقیقت باشد. به همین دلیل از مسیحیت روی گردان می‌شود و به عرفان‌های سرخ‌پوستی روی می‌آورد. پس از مدتی آن را هم رها می‌کند و لاتینک می‌شود. پس از یک زندگی مفصل به سبک لاتینک، به سراغ هندوئیسم می‌رود و... سرانجام، کارش به آلمان و صحبت با یکی از فیلسوفان آن دیار کشیده می‌شود؛ اما فلسفه آلمانی هم او را راضی نمی‌کند. دست آخر نرسیدن به حقیقت راهی جز خودکشی در رودخانه راین برای او باقی نمی‌گذارد.

او می‌گوید: همان روزی که می‌خواستم بروم و خودکشی کنم، وقتی می‌خواستم از اتاقم خارج شوم و کلید را از روی میز بردارم؛ چشمم به کتابی افتاد که چند روز پیش خریده بودم و آن «ترجمه انگلیسی قرآن» بود. می‌خواستم بی‌تفاوت از کنارش رد شوم چون گمان نمی‌کردم اسلام تروریستی، حرفی از سعادت داشته باشد! اما دو دل شدم که از قرآن تروریست‌ها بگذرم یا نه؟ دست آخر تصمیم گرفتم قرآن را به همراه خودم ببرم و در مترو نگاه‌ی به آن ببینانم و پس از آن به داخل رودخانه پرتابش کنم و خودم را هم بکشم و خلاص شوم.

در حالی که داشتم برای خودکشی می‌رفتم، در مترو قرآن را از جیبم بیرون کشیدم و باز کردم. در همان ابتدای قرآن دیدم نوشته است: «این کتابی است که هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد» (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ؛ بقره/ ۲) خیلی لجم درآمد. چون هیچ

نویسنده‌ای هرچقدر هم «از خود متشکر» باشد، نمی‌تواند این قدر مطمئن از خودش سخن بگوید و چنین ادعای بزرگی کند. ادامه دادم تا تردیدی در همان صفحه اول پیدا کنم؛ تا روی نویسنده را کم کنم؛ اما تردید پیدا نشد. به صفحه دوم رفتم تا تردید را بیابم؛ اما پیدا نشد. به صفحه سوم و چهارم و بیست و چندم رفتم؛ اما تردید پیدا نشد. مترو مدتها بود که از ایستگاه راین (محل پیش‌بینی شده برای خودکشی) عبور کرده بود و به آخر خط رسیده بود. روی من کم شده بود و دلم روشن شده بود.

- این جوان استرالیایی وقتی درباره اولین لحظات مواجهه‌اش با قرآن توضیح می‌داد، اشک می‌ریخت. می‌دانید چرا؟ چون آیات قرآن، اول آدم را می‌زند و وقتی او متنبه شد و بیدار شد، او را در آغوش می‌گیرد و دلش را نرم می‌کند. یعنی بعد از یک موعظه و تنبیه، قلب تو را شفا می‌دهد و هدایت می‌کند. (مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى؛ یونس/۵۷)

آیا قرآن همه انسان‌ها را شفا می‌دهد؟ همان قرآنی که برای مؤمنین شفاء و رحمت است برای ظالمان چیزی جز خسارت به بار نمی‌آورد

- آیا قرآن همه انسان‌ها را شفا می‌دهد؟ پاسخش را خود قرآن بیان فرموده است: «این قرآن برای مؤمنین شفا و رحمت است و برای ظالمان جز خسارت، چیزی به بار نمی‌آورد؛ وَ نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (اسراء/۸۲) یعنی قرآن همه انسان‌ها را شفاء نمی‌دهد. همان قرآنی که برای مؤمنین شفاء و رحمت است، برای ظالمان خسارت به همراه دارد. قرآن نه تنها برای ظالمان فایده‌ای ندارد، بلکه برای آنها خسارت دارد و به خسران آنها اضافه می‌کند.
- امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «کسی با قرآن نمی‌نشیند، مگر اینکه یک چیزی در هدایتش به او اضافه می‌شود و یک چیزی هم از ناپیایی او کم می‌شود؛ مَا جَالَسَ أَحَدًا هَذَا الْقُرْآنَ إِلَّا قَامَ بِزِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ: زِيَادَةٍ فِي هُدًى أَوْ نَقْصَانٍ فِي عَمَى» (غررالحکم/۱۹۷۵) یعنی هر موقع پای قرآن بنشینی، یک چیزی به تو می‌دهد و یک لطفی به تو خواهد کرد. لذا خداوند به عنوان کتاب مبارک، از قرآن یاد کرده است. (هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ؛ انعام/۹۲) مبارک هم یعنی پربرکت. قرآن کریم برکت عجیبی دارد.
- ان‌شاء الله جزء کسانی نباشیم که وقتی قرآن می‌خوانند، خسارت‌شان بیشتر می‌شود. اگر در کنار قرآن کریم بنشینی، دست تو را می‌گیرد و در دست امامت می‌گذارد. لذا اگر خواستی ببینی که این کتاب در تو خسارتی ایجاد نکرده است، ببین که بعد قرائت قرآن (و مانوس بودن با آن) محبت تو به اهل بیت (ع) افزایش پیدا کرده است یا نه؟ این یک شاخص بسیار مهم است. یک مقدار قرآن بخوانی خود به خود محبت تو به اهل بیت (ع) بیشتر می‌شود.

